

فرار بی چاره از کابل

امریکا مجبور شده با خروج از افغانستان منابع خود را برای مقابله با چین و روسیه جمع کند



دکتر سیدرضا میر طاهر خروج سریع و در واقع عقب‌نشینی عجولانه نیروهای امریکایی از افغانستان به دستور جو بایدن که سرانجام به فروپاشی دولت در کابل و سلطه طالبان بر افغانستان منجر شد،انتقادات زیادی را از وی در داخل و خارج این کشور به دنبال داشته‌است. در داخل امریکادونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین خواهان کنتره‌گیری جو بایدن به دلیل بحران افغانستان شد. ترامپ که در دوره او خروج نظامیان امریکایی از افغانستان برنامه‌ریزی و آغاز شد، گفته است: «آنچه جو بایدن با افغانستان انجام داده افسانه‌ای است و این یکی از بزرگ‌ترین شکست‌ها در تاریخ امریکا خواهد بود.» در خارج امریکا هم شش‌کای اروپایی واشنگتن زیان به انتقاد از تصمیم بایدن گوش‌دهنده،از جمله «اتنورنزی» نخست‌وزیر پیشین ایتالیاگفت: «رئیس‌جمهور امریکا اشتباهی تاریخی در افغانستان مرتکب شد و راه دونالد ترامپ را ادامه داد.» در کنار این انتقادات، انتشار گزارشی جدید درباره پیامدهای فاجعه‌های انسانی و مالی جنگ امریکا در افغانستان به توجهی برای دولت‌بایدن برای خروج از افغانستان تبدیل شد.

گزارش جدید

مؤسسه امور عمومی و بین‌الملل واتسون در دانشگاه براون اواخر مرداد ۱۴۰۰ در گزارشی جدید اعلام کرد هزینه جنگ امریکا در افغانستان که از پاییز ۲۰۰۱ آغاز شد و قرار است ۱۱ تا سپتامبر ۲۰۲۱ میلادی تمام شود، ۲۱۲٫۶ تریلیون دلار بوده‌است. این هزینه را وزارت دفاع و وزارت خارجه امریکاجام داده‌است. از سوی دیگر طی این مدت ۲۴۱ هزار نفر به طرز مستقیم در نتیجه این جنگ کشته شده‌اند.

انتشار این گزارش جدید آن هم در زمانی که با دستور خروج عجولانه و بدون تأمل نیروهای امریکایی از افغانستان از طرف جو بایدن،برونده جنگ امریکادر این کشور به بدترین شکل ممکن بسته می‌شود،صفحه دیگری از رسوایی واشنگتن در جنگ افغانستان را گوشه‌است. در جنگ افغانستان امریکا برای بدین کسب روند تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱ پایان خواهد یافت اما عملاًایالات متحده و دیگر کشورهای ناتو بسیار سریع‌تر از برنامه‌ریزی قبلی نیروهای امریکایی از خروج از این کشور،کارشناسان و برخی از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به بهانه مبارزه با تروریسم و سرنگون کردن حکومت طالبان در افغانستان که آن را متهم به همدستی با القاعده کرده بود به این کشور حمله و رژیم طالبان را سرنگون کرد. بنا بر آمارها در این اشغالگری نظامی که غیر از ایجاد ناامنی هر چه بیشتر و

برنده

سیدنعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

چاس فریمن جوینور سفیر پیشین امریکا در عربستان سعودی طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲، در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۶ طی سخنرانی در مرکز مطالعه‌ها قبل از دست داده بود.
در **تولید دشمن** اشتباه دوم از نظر فریمن با کارزاری اتفاق دی سسی، نگرشی به شدت انتقادی نسبت به سیاست امریکا طی دو دهه اخیر مطرح کرد. او در مورد افغانستان اشتباهاتی را مطرح می‌کند که نتیجه این اشتباهات حالا باسقوط دولت کابل به دست طالبان دیده می‌شود. بازخوانی این اشتباهات بیاتگر دلایلی است که وضعیت فعلی را به وجود آورده و اینکه روسای جمهور امریکا چه جمهورخواه چه نمودگراک اشتباهات اساسی مشابهی مرتکب شدند که نه تنها مشکل امریکا را در افغانستان حل نکرد بلکه باعث شکست سنگین آن در این کشور شد. شکستی که می‌توان گفت سنگین‌تر از شکست امریکا در ویتنام است.

جنگ ملیبی

فریمن در خصوص افغانستان دو اشتباه اساسی بیان کرد. اشتباه اول تغییر راهبرد نظامی امریکا از هجوم تنبیهی به افغانستان در ۲۰۰۱ به کارزار از زامدت صلح بود که این کارزار بعدا به دست ناتو افتاد. به نظر فریمن، اهداف این کارزار هیچ‌گاه به روشنی بیان نشد اما می‌توان گفت محور اساسی آن تضمین این هدف بود که «هیچ حکومت اسلام‌گرای در کابل وجود نخواهد داشت.» درگیری اروپا و امریکا در این مورد بیرون گنگ و مبهم باعث این «تأثیر ناخواسته» شد که «جنگ جهانی علیه تروریسم» مبدل به چیزی شد که در نگاه اکثر مسلمانان به عنوان جنگ صلیبی غرب علیه اسلام و یروانش دیده می‌شد و افغانستان همچنان ناآرام باقی ماند و اسلام‌گرایی در آن کمتر که نشد، بیشتر هم شد. توصیه فریمن برای جبران این اشتباه این بود که امریکاهایی برای اعاده همکاری پیدا و آشکار با جهان اسلام بایند. این توصیه شاید روی کاغذ جالب به نظر برسد تا اینکه امریکا از طریق تعامل با جهان اسلام به دنبال تغییر نگاه

ویرانی ثمرهای در برداشت، هزاران غیرنظامی افغان جان خود را از دست دادند. طی این ۲۰ سال در مجموع ۲ هزار و ۴۴۸ هزار نظامی امریکا در این جنگ کشته شدند و هزار و ۱۴۴ نفر از نیروهای ائتلاف ناتو نیز در این جنگ جان خود را از دست دادند. همچنین ۶۹هزار نیروی افغانستانی نیز در این جنگ جان خود را از دست دادند. این آمار شامل کسانی نمی‌شود که به دلیل بیماری، عدم دسترسی به غذا، آب و زیرساخت‌ها و دیگر نتایج غیرمستقیم جنگ جان خود را از دست داده‌اند.

حضور بی‌حاصل

حضور نظامی امریکا و ناتو در افغانستان حاصلی جز کشتار مردم این کشور، افزایش ناامنی و تولید بی‌سابقه مواد مخدر برای این

کشور، جنگ‌زده نداشته‌است. در ۲۰ سال گذشته با قدرت گرفتن دوباره طالبان و توافق صلحی که دولت ترامپ با آن در دوحه منعقد کرد، اکنون بایدن به ناچار باید بدون کسب

هیچ دستاوردی به این اشغالگری که با ناکامی به مراتب بدتر از جنگ ویتنام همراه بود، پایان دهد. پس از دستور بایدن برای خروج فوری نیروهای امریکایی از ناتو، کارشناسان و برخی مقامات ارشد افغانستان درباره ایجاد خلأقدرت در این کشور پس از خروج نیروهای امریکایی و ناتو و سوءاستفاده طالبان از این مسئله برای گسترش جنگ در افغانستان هشدار داده بودند.وقایع بعدی،به ویژه پیشرویی‌های سریع طالبان و نیز فروپاشی غیر قابل پیش‌بینی

با قدرت گرفتن دوباره طالبان و توافق صلحی که دولت ترامپ با آن در دوحه منعقد کرد، اکنون بایدن به ناچار باید بدون کسب هیچ دستاوردی به این اشغالگری یا پایان دهد

نتیجه ۲ دهه پر اشتباه در سیاست خارجی امریکا

در باتلاق مانده‌ترین امپراطوری



هیچ زمینهای برای تعامل با جهان اسلام ندارد تا بتواند از طریق آن اشتباهات گذشته خود را جبران کند.

ناآشنایی با افغانستان

یکی از اشتباهات اساسی امریکا در مورد افغانستان که حتی فریمن با نگرش انتقادی‌اش هم اشاره‌ای به آن نکرده‌است، مربوط به عدم درک استراتژیست‌ها وسایستگاران امریکایی نسبت به این کشور می‌شود. آن‌گرش طی مقاله خود تحت عنوان «فغانستان از شکستی به شکست دیگر» در لوموند دیپلماتیک نقل قولی از یک دانشمند افغان بیان کرده که در جزوه کوچکی، برای شناساندن کشورش نوشته بود. این دانشمند افغان می‌نویسد: «یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های افغان‌ها عشق خدشه‌ناپذیر به آنها به استقلال است. افغان‌ها با صبر و شکیبایی، شرایط سخت یا فقر خود را می‌پذیرند، اما نمی‌توان آنها را با یک قدرت مدخله‌گر خارجی، هرچند روشنفکر و مترقی، آشتی داد.» این حرف در مورد مردم افغانستان به شهادت تاریخ در چندین مقطع به اثبات رسیده‌است. امپراطوری بریتانیا دست کم سه بار در سال‌های ۱۸۴۲، ۱۸۸۱ و ۱۹۱۹ متحمل شکست‌های فاجعه‌باری از افغان‌ها شد و بعد نوبت به اتحاد جماهیر شوروی شد تا با شعار «جلوگیری از توطئه‌های امپریالیستی»

پیرالمملک

سرویس بین‌الملل ۹ ۸۸۹۹۸۴۴

آغاز افول سیاسی و نظامی امریکا و پر تلفات‌ترین درگیری نظامی واشنگتن پس از جنگ جهانی دوم بود. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و در دوره پسا جنگ سرد نیز امریکادانلوداعیهادر نظم نوین جهانی شد و پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به بهانه مبارزه جهانی با تروریسم، در دوره زمامداری جورج دبلیو بوش به جنگ افروزی‌های جدیدی پرداخت. امریکا ابتدا به بهانه مقابله با القاعده به عنوان متهم حادثه ۱۱ سپتامبر و سرنگون کردن حکومت طالبان در افغانستان که آن را متهم به همدستی با القاعده کرده بود به این کشور حمله و آن را سرنگون کرد. در مرحله بعد امریکا بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل در مارس ۲۰۰۳ به عراق حمله کرد. بعدها دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق امریکا ادعا کرد جنگ‌های امریکا در غرب آسیا حدود ۷ تریلیون دلار هزینه مالی برای امریکا دربرداشته‌است. بدین ترتیب واشنگتن رویکرد جنگ افروزی و میلیتاریسم را اتخاذ کرد و در این مسیر موجب مرگ هزاران نظامی امریکایی شد. این جنگ‌ها و توسعه روز افزون نظامی امریکا به همراه افزایش مستمر بودجه نظامی این کشور با انتقادات شدیدی مواجه شده‌است. مسئله مهم این است که امریکا اکنون ناچار است با کاهش مداخلات خارجی و کاهش حضور نیروهای خود در اقصی نقاط جهان نه فقط از بار هزینه‌هایش بکاهد، بلکه منابعش را برای بازسازی اقتصاد تحت فشار و نیز به منظور مقابله با رقبای اصلی برافغانست می‌تواند به زودی منجر به افزایش چشمگیری تهدیدهای تروریستی در سطح منطقه شود. بدین ترتیب امریکا پس از ۲۰ سال اشغال، چند تریلیون دلار هزینه و صدها هزار کشته بدون کسب دستاوردی حتی در زمینه کاهش تهدیدات تروریستی افغانستان را ترک می‌کند. به رغم این انتقادات اما جو بایدن بر درستی تصمیم خود در خارج کردن نیروهای امریکایی از افغانستان در راستای پایان دادن به جنگ‌های بی پایان که امریکا در دو دهه اخیر خود را درگیر آن کرده‌است پافشاری می‌کند.

افول امپراطوری و الزام کاهش تعهدات

امریکا پس از جنگ جهانی دوم و پیدایش نظام دوطرفی در جهان در دوره جنگ سرد، در نقش یک امپراطور جهانی جنگ‌های زیادی را به بهانه جلوگیری از نفوذ کمونیسم به راه انداخت و نیز در کشورها و مناطق مختلفی به مداخله‌جویی پرداخت. جنگ ویتنام به عنوان نقطه عطفی در راستای جلوگیری از روی کار آمدن رژیم‌های کمونیست در جنوب شرق آسیا به منزله نقطه

شروع کرد و هر چند باراک اوباما، رئیس‌جمهور خود بوش در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۴ پایان یافتن این جنگ را اعلام کرد اما جنگ امریکا در افغانستان عملاً هیچ‌گاه پایان نیافت. سؤال اینجاست که نتیجه دو دهه تهاجم به افغانستان چه بود؟ مقاله فریمن به خوبی نشان می‌دهد که امریکا در این مدت نه تنها مشکل خود را در افغانستان حل نکرد بلکه آن را در پهنه وسیعی از خاورمیانه و شمال آفریقا تا اروپا و خاک خود امریکا گسترش داد. علاوه بر این گزارش‌ها نشان می‌دهد القاعده به عنوان مهم‌ترین بهانه امریکا برای لشکر کشی به افغانستان نسبت به ۲۰۰۱، حضور گسترده‌تری در افغانستان دارد به نحوی که مقامات سابق امنیتی و نظامی افغانستان در ماه‌های قبل از حضور نیروهای امریکا در این استان این کشور می‌گفتند. به عبارت دیگر و همچنان که سر مقاله نشریه فارن افرز در ۱۸ اگوست ۲۰۲۱ بیان کرده‌است: «هیچ دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم با القاعده قطع می‌شود. پهندهایی بین این دو پیروزی کامل طالبان، این گروه روابط خود را با القاعده قطع می‌کند و به دنبال ایجاد حکومت

اتحادی در کشوری باشد که از اختلافات خونیتر قومی و قبیله‌ای زخم بسیار خورده‌است. با توجه به نشانه‌های اولیه از اقدامات تلافی‌جویانه وحشیانه طالبان علیه دشمنانش و واکنش وحشت‌زده درم افغانستان که شوکه شده بودند، باور این که طالبان می‌خواهد تغییرات زیادی انجام دهد، سخت‌است.

پیامدهای برای خاورمیانه
آسیا طالبان دوباره به‌عنوان حکومت حامی تروریسم ظاهر می‌شود؟ آیا افغانستان را تبدیل به پیشت تجارت تریاک می‌کند؟ به‌عبارت دیگر، آیا طالبان راه خود را تغییر داده و به گوهزای رفتار می‌کند که تهدیدی برای همسایگان خود و به‌طور کلی منطقه نباشد؟ از دیدگاه امریکا با خروجش از افغانستان، حالا می‌توان به اصلی‌ترین کار ناتمام در خاورمیانه یعنی زنده کردن توافق هسته‌ای با ایران رسیدگی کرد – البته اگر اختلاف اسرائیل رژیم صهیونیستی با فلسطین را که به‌ظاهر حل‌نشده‌ی است، کنار

چشم‌انداز

چین جایگزین امریکا می‌شود؟

اژدها در جاده امپراطور

اشرف غنی با پکن گفت‌وگو کند. بازگشت طالبان به افغانستان می‌تواند بازگشت گروه مهلک القاعده و کابوسی برای امریکا، غرب و چین باشد. ناظران امریکایی اقدامات چین در افغانستان می‌گویند پکن حدود پنج سال پیش بازیابی، وزیر خارجه وقت افغانستان درباره احتمال گسترش جایگاه راهبردی این کشور را نظاره گر بوده، گفت‌وگوهای غیررسمی را با سیاستمداران و عناصر مخالف در افغانستان برگزار کرده‌است. در واقع، خروج امریکا و ناتو به چین امکان داده تا برای تبدیل شدن به جدیدترین بازیگر در «بازی بزرگ» – یادآور زمانی که دو امپراطوری انگلیس و روسیه در رویارویی سیاسی و دیپلماتیک با هدف دستیابی به قدرت و نفوذ در افغانستان و سرزمین‌های همسایه آسیای مر کزی و جنوبی با یکدیگر سرشاخ شده بودند– تلاش کند. حمله شوروی به افغانستان و حمله اکتبر ۲۰۰۱ امریکا نیز یادآور بازی بزرگ بود.

امریکا برای نابودی گروه تروریستی القاعده طالبان وارد افغانستان شد، ولی حالا بیهوده بودن نگهداری نیروها در افغانستان را پذیرفته‌است. کارشناسان مسائل راهبردی امریکا نگرانند

بازگشت طالبان به قدرت منجر به بازگشت القاعده و پیامدهای ویرانگر برای مردم و به ویژه زنان شود. از نظر چین، افغانستان جایگاه مهمی در طرح بلندپروازانه کمربند یک جاده دارد که هدف آن تقویت جایگاه یکن در آسیای میانه و گسترش دسترسی خود به اروپا از طریق راه‌آهن، جاده و دریاست. سیاستمداران افغان با خروج نیروهای غربی و امریکایی به چین متعایل شده‌اند. تلاش‌های پیشین چین در جلب نظر افغانستان به علت نفوذ گسترده امریکار بر دولت این کشور ناموفق بود، ولی اکنون انتظار می‌رود

ترجمه: اماره کار رسانه‌های خارجی منبع: دلیلی صباح

واکنش

پیام سقوط کابل

برای متحدان خاورمیانه‌ای امریکا

تونی واکر

پس از سقوط کابل و خروج شتابزده امریکا از کشوری که یک تریلیون دلار در آن به هدر داد، این سؤال باقی می‌ماند که حالا خاورمیانه چه می‌شود؟ از برخی جهات، وضعیت افغانستان بیشتر از ویتنام نگران‌کننده‌است، زیرا بخش اعظم خاورمیانه در خطر افتادن به‌دام هرج مرجع‌است. شکست ارتش ویتنام جنوبی در سال ۱۹۷۵ ممکن بود بر تحولات کشورهای همسایه‌اش همچون هند و چین تأثیر بگذارد، اما عواقب آن تا حد زیادی مهار شد. افغانستان از این نظر متفاوت است چرا که وقتی اعتبار و اعتماد به نفس امریکا در ویتنام خدشه‌دار شده بود، قبل از ظهور چین، همچنان نیروی نظامی غالب در غرب قیابوس آن بود. همینکه یک واشنگتن تضعیف‌شده – که اطمینان از توانایی خود برای پایبندی به تعهداتش ندارد- اگر در نگاه کشور‌های خاورمیانه شکسته نشده باشد، اما اقتدار آن بسیار زیر سؤال خواهد رفت. چین و روسیه در حال آزمون عزم امریکا در سطح بین‌المللی هستند. در خود منطقه، ترکیه و ایران در حال حاضر به دنبال پر کردن خلأیی هستند که با شکست امریکا به‌وجود آمده‌است. پکن و مسکو به دلایل خاص خود آینه‌ده افغانستان را دنبال می‌کنند. برای چین، موضوع از مرز مشترک فراتر می‌رود، در حالی که برای روسیه نگرانی‌های تاریخی در مورد افراط‌گرایی افغانی وجود دارد که می‌تواند مسلمانان روسیه و کشورهای همسایه‌اش را آلوده کند. پس از آن آشکار از طالبان حمایت کرده‌است. اسلام‌آباد در سختی شدید برای امریکا، فرصت‌هایی را برای خود می‌بیند تا نقش مهم‌تر منطقه‌ای را بر عهده بگیرد. در خود افغانستان، طالبان ممکن است به تعهدات خود مبتنی بر تغییر در نگرش و رویکرد خود عمل کند و به دنبال ایجاد حکومت اتلافی در کشوری باشد که از اختلافات خونیتر قومی و قبیله‌ای زخم بسیار خورده‌است. با توجه به نشانه‌های اولیه از اقدامات تلافی‌جویانه وحشیانه طالبان علیه دشمنانش و واکنش وحشت‌زده درم افغانستان که شوکه شده بودند، باور این که طالبان می‌خواهد تغییرات زیادی انجام دهد، سخت‌است.

پیامدهای برای خاورمیانه

آسیا طالبان دوباره به‌عنوان حکومت حامی تروریسم ظاهر می‌شود؟ آیا افغانستان را تبدیل

به پیشت تجارت تریاک می‌کند؟ به‌عبارت دیگر،

آیا طالبان راه خود را تغییر داده و به گوهزای رفتار می‌کند که تهدیدی برای همسایگان

خود و به‌طور کلی منطقه نباشد؟ از دیدگاه

امریکا با خروجش از افغانستان، حالا می‌توان

به اصلی‌ترین کار ناتمام در خاورمیانه یعنی زنده

کردن توافق هسته‌ای با ایران رسیدگی کرد –

البته اگر اختلاف اسرائیل رژیم صهیونیستی با

فلسطین را که به‌ظاهر حل‌نشده‌ی است، کنار

ترجمه: مرکز مطالعات راهبردی سورین

«بنفرومد کامنت» خلاصه‌شده

ترجمه: مرکز مطالعات راهبردی سورین